

آزادی

خاطراتی از روحانی شهید حیدر علی آزادی

ز. قادری، م. عجبزاده

پایگاه بسیج خواهران شهیدان



۱۳۹۵

سرشناسه: قادری، زهرا، ۱۳۴۲ -
 عنوان و نام پدیدآور: زائر آسمانی: خاطراتی از روحانی شهید حیدرعلی آزادی/زهرا قادری، مریم
 عرب‌زاده.
 مشخصات نشر: اصفهان: نشر دارخوین، ۱۳۹۴.
 مشخصات ظاهری: ۹۶ ص. مصور، جدول.
 شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۸۰-۳۹۹-۲
 وضعیت فهرست نویسی: فیبا
 یادداشت: کتاب حاضر با حمایت اداره کل حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس استان
 اصفهان منتشر شده است.
 عنوان دیگر: خاطراتی از روحانی شهید حیدرعلی آزادی.
 موضوع: آزادی، حیدرعلی، ۱۳۴۶ - ۱۳۴۴.
 موضوع: جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷ -- شهیدان
 موضوع: جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷ -- روحانیت
 موضوع: شهیدان -- ایران -- اصفهان -- بازماندگان -- خاطرات
 پایه افزوده: عرب‌زاده، مریم، ۱۳۶۰ -
 ده بندی کنگره: ۱۳۹۴/۴۳۲/۹۵۵/۰۸۴۳۰۹۲
 ده بندی دیوبی: ۴۱۵۱۸۲۹
 شماره دسترسی ملی: ۴۱۵۱۸۲۹

زائر آسمانی

ز. قادری، م. عرب‌زاده
 پایگاه بسیج خ. ه. ک. نشر زائر

بازنویس و ویراستار: هادی امیری

ناشر: دارخوین

نوبت چاپ: ۱۳۹۵

شمارگان: ۱۰۰۰

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۸۰-۳۹۹-۲

طرح جلد: حامد شاه‌مرادی

صفحه‌آرا: حامد شاه‌مرادی



این کتاب با حمایت خانواده محترم شهید آزادی و اداره کل حفظ آثار و نشر
 ارزش‌های دفاع مقدس استان اصفهان به چاپ رسیده است

۱۳	پیشگفتار
۱۵	مقدمه
۱۷	فصل اول: طلوع
۱۹	تولد
۲۰	تحصیلان
۲۱	ورود به حرم عظیم
۲۲	آشنایی با شهید انصاری
۲۳	خاطرات طلبگی
۲۵	نماز شب
۲۶	علاقه و توسل به حضرت زهرا (علیها السلام)
۲۷	فصل دوم: روحیات و حالات معنوی
۲۹	عشق به خدا
۳۰	اعتماد به دیگران
۳۱	عشق به حضرت اباعبدالله (علیه السلام)
۳۲	عشق به امام رضا (علیه السلام)
۳۴	عشق به شهادت
۳۵	پرواز به لقاءالله
۳۶	شوق اعزام به جبهه

۳۹	فصل سوم: خلیات
۴۱	خوب، اخلاق و خنده رو
۴۲	اهمیت به واجبات و حق الناس
۴۳	اهمیت به مقام الدین
۴۴	اهمیت به برآن آوری
۴۶	غیرتمندی نسبت به ساموس
۴۷	بصیرت و بینش سیاسی
۴۸	بهترین شاگرد استاد

۵۱	فصل چهارم: پرواز
۵۳	اعزام به جبهه
۵۵	خاطره ای از اعزام به جبهه
۵۶	نحوه زخمی شدن
۶۰	خبر زخمی شدن
۶۲	خداحافظی
۶۸	شهادت در بیمارستان امام رضا (علیه السلام)

۷۳	فصل پنجم: وصیت نامه
----	----------------------------

۷۹	تصاویر
----	---------------

آنچه برای یک ملت و مردم ارزشمند است و اهمیت دارد فرهنگ یک کشور است؛ به خصوص فرهنگی که برگرفته از مکتب اهل بیت علیهم السلام می باشد؛ که از قرن ها پیش و حتی از زمان آغازین خواندن و نوشتن برای بشر حیاتی و مورد توجه بوده است. هویت و شناسنامه یک کشور فرهنگ آن کشور است که باید به صورت دقیق ثبت و ضبط شود. فرهنگ یک ملت مجموعه ای از تاریخ، متون، اسناد، خاطرات مکتوب و شفاهی و ... است که سینه به سینه باید به آیندگان منتقل شود و هر فرد در جایگاه و مقام خود باید در حفظ و نگهداری این گنجینه شایگان تمام تلاش خود را انجام دهد.

بخشی از فرهنگ اسلامی میهن عزیز ما مربوط به دوران هشت سال دفاع مقدس می شود که با وقایع و خاطرات و حوادث آن دوران به صورت دقیق ثبت و ضبط شود و نگاشته یابد و به نسل های بعد انتقال یابد؛ فرهنگ بی کران و ارزشمندی که گستردگی آن را در کتاب های خاطره، زندگینامه، داستان و رمان، مجموعه های شعر و ... می توان به رشته تحریر درآورد. در دوران هشت ساله دفاع مقدس تمام نقاط و استان ها و حوضه ها و استان های که یک کشور هر کدام به گونه ای دین و تکلیف خود را به انقلاب اسلامی به سربری حضرت امام خمینی (ره) و دفاع مقدس ادا نمودند؛ شهر زیار از توابع شهرستان اصفهان در دفاع مقدس با سیزده شهید خود که همانند ستاره های درخشان در آسمان این شهر می درخشند از این فیض الهی محروم نماند و ستاره نامدار این شهر را حاج شهید حیدرعلی

آزادی است. کتاب پیش روی «زائر آسمانی» قطره‌ای از دریای بی‌کران فرهنگ جبهه و دفاع مقدس است که به زندگی و خاطرات روحانی شهید حیدرعلی آزادی می‌پردازد و برگ سبزی بر دفتر گرانبهای فرهنگ مقاومت، پایداری، بصیرت و ولایت‌مداری این شهر است.

به سرانجام رسیدن این کتاب مدیون ایثار و همت خانواده محترم شهید آزادی است که نهایت تشکر و سپاسگزاری را داریم. به رسم ادب جا دارد از خواهران: قنبری، شجاعی، که در تهیه مطالب و انجام مصاحبه‌ها با همت و تلاش آنها به سرانجام رسید تشکر و قدردانی کنم، همچنین از حجج اسلام علی داستانی و محمد حسین الهی که در هماهنگی با حوزه علمیه برای جمع‌آوری خاطرات شهید تلاش کردند تشکر کنم.

شاید استثنای شهود از هم‌زمان شهید که در بین ما نیستند اما عطر آنان در سراسر زندگی و شهر ما به مشام می‌رسد؛ شهیدانی که هرکدام ستاره‌های منور آسمان شهادت هستند: شهید علیرضا آبروش، شهید ماشاء الله احمدی، شهید مهرعلی احمدی، شهید غلامعلی میرحاج، شهید احمد میرحاج، شهید رضا میرحاج، شهید اکبر عبداللهم، شهید حسینعلی اکبری، شهید ناصر بیگانی، شهید محمدعلی حیدری، شهید عابدی. همچنین از دوستان و هم‌زمان شهید که در بیان خاطرات ما را همراهی کردند تشکر می‌کنم؛ آقایان: کثیری، داستانی، الهی، نصیری، خدارحم کریم زاده، ایوب زره‌زن، خدایا طهرانی. از آقای رحمت الله داستانی که اگر مساعدت و زحمات ایشان در همراهی با دوستان و خانواده شهید نبود امکان چاپ این کتاب میسر نمی‌شد؛ تشکر و سپاسگزاری می‌کنم.

در پایان از خداوند منان طلب علو درجات برای روح پاک و کرامت حضرت امام خمینی (ره) و شهدای گرامی انقلاب اسلامی و هشت سال دفاع مقدس داشته، و آرزوی سربلندی دین مبین اسلام و سلامتی مقام معظم رهبری حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای (دامت برکاته) و خانواده شهدا را از درگاه خداوند آرزو مندیم.

«إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَهَذَا عَاقِبَةُ مَا كَانُوا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِبَيْعِكُمُ اللَّهِ إِنَّكُمْ بِذَلِكَ هُمْ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ» (التوبة/۱۱۱).

«در حقیقت، خدا از مؤمنان جان و مالشان را به [بهای] این که بهشت برای آنان باشد، خریده است. همان که این که در راه خدا می‌جنگند و می‌کشند و کشته می‌شوند. [این] به عنوان وعده حقیقی در تورات و انجیل و قرآن بر عهده اوست. و چه کسی از خدا به عهد خویش وفادارتر است؟ پس به این معامله‌ای که با او کرده‌اید شادمان باشید، و این همان کادای بی‌زررگ است.»

شهید، شاهد محبتِ اَحلی من العسلِ حق را چشید و قرار با روی زمین از کف داد. چگونه او را قرار دادی باشد که عاشقِ حقیقی‌ترین مسرتی عالم شد و پروانه وار در شعاع پرجاذبه‌ترین کشش و نیروی هستی، غشایش در ذره ذره رنگ باخت و رنگ خدا گرفت که بهترین رنگ‌ها است. آنقدر که در دنیای پست و مادی چیزی نتوانست وزنه پایش شود و سنگینی جاناش. آنقدر اوج گرفت و گرفت و بالا رفت و رفت که فانی در معشوق شد و مقتول عشق؛ که فرمود: «مَنْ عَشِقْتُهُ فَقَدْ قَتَلْتُهُ وَ مَنْ قَتَلْتُهُ فَعَلَيْ دِيْنَتِهِ وَ مَنْ عَلَي دِيْنَتِهِ فَأَنَا دِيْنَتُهُ» یعنی: «کسی که من عاشق او شوم او را (در راه عشقم) خواهم کُشت. و کسی که من او را بکُشم خون بهایش بر عهده من است. و کسی که خون بهایش بر عهده من باشد خودم خون بهایش خواهم شد.»

بنابراین، کیست که بتواند عظمت خون شهید را بفهمد؟ و چگونه چنین چیزی ممکن خواهد بود که عظمتش به اندازهٔ عظمت خود خداست که خود، خون بهای خون شهید شد و کسی قادر به درک خدای بی نهایت نخواهد بود و نیز عظمت خون شهید!

آری، خدا بهای خون شهید!!

شهید، شمع شد و سوخت و فانی شد و راه را برای من و تو نورانی کرد، تا در پرتو نور حق بتوانیم راه را ببینیم و از صراط مستقیم منحرف نشویم. شهید رفت تا ما بمانیم و بصیرت یابیم؛ و سوخت که ما به آتش کین دشمنان بسوزیم. در نهایت، او ابدی و ماندگار شد و ما رفتنی و بی قرار! این مجسمه، شرح حال و در حقیقت، یادی است از یکی از شیفتگان راه معبود و برگ ستگا، راه معشوق؛ هم آنهایی که خدا با همهٔ عظمتش خود خون بهای ایشان گردید و چه کسی در وعده‌اش وفادارتر است از الله؟! (وَ مَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ) و سده آئنده ای که وعده‌اش را در سه کتاب آسمانی خود، تورات و انجیل و قرآن تأمین کرد.

آری، شهید عزیزی که ماه‌ها و باده سال‌ها قبل از شعله ور شدن و پر کشیدن؛ در شوق شهادت سوخت و سوخت و همواره با آه و سوز زمزمه کرد: «من ایرانی ام، آرمانم شهادت!»

و رفت و رفت و آنقدر رفت تا عاقبت بحاجت مبارک در سرزمینی متبرک به وجود پر برکت ثامن الحجج حضرت علی بن مرتضی الرضا (علیه السلام) از زلال محبت الهی سیراب گردید و به لقاء عارفانهٔ معشوقش نائل شد. جوان ۱۸ ساله‌ای به نام حیدرعلی آزادی از سرزمینی زیبا و دوست داشتنی با مردمانی ساده و صمیمی به نام زیار.

روحش شاد و راهش پر رهرو باد!

حجت الاسلام ابوالقاسم شهباز